

حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر اخلاقی، فقهی و حقوقی

*
محبوبه جوکار

چکیده

حقوق و وظایف متقابل زوجین از اموری است که دین مبین اسلام برای تحکیم خانواده و رشد و بالندگی آن وضع نموده است. رعایت این حقوق و انجام مسئولیت‌های مربوط به آن، سبب نزدیکی و صمیمیت بیشتر زوجین می‌شود و از بروز هرج و مرج در خانواده جلوگیری می‌نماید.

بررسی این موضوع از دو نظر ضرورت دارد؛ نخست آنکه امروزه بر اثر ضعف مبانی دینی برخی افراد و نیز نفوذ جریان‌های فکری - فرهنگی و معرفتی غرب به ویژه تفکرات فمینیستی، آموزه‌های اسلامی خانواده کم‌ارزش، زوجین به تکالیف خود در قبال یکدیگر بی‌توجه شده‌اند و وظایف خود نسبت به همسر را به خوبی انجام نمی‌دهند.

واضح و روشن است که بی‌توجهی به این وظایف (با توجه به نقش محوری و تأثیرگذار آنها در خانواده) علاوه بر آسیب‌پذیر نمودن رابطه همسران، می‌تواند روابط سایر اعضای خانواده را آشفته نماید و حتی خانواده را در معرض خطر فروپاشی قرار دهد.

دوم، هجوم سیل آسای بسیاری از شبهات مثل تفاوت حقوق و تکالیف زوجین در خانواده، با جدا نمودن بخشی از دستورات دین از متن دین و بدون نگاه جامع به نظام‌مندی قوانین اسلام، زمینه سوء استفاده از آموزه‌های دینی را فراهم کرده و این شبهه را ایجاد نموده است که اسلام با نگاهی مردمحورانه به وظایف و حقوق زن و مرد، به زن ظلم کرده است که این امر باعث منحرف شدن بسیاری از افکار از تعالیم آسمانی دین اسلام است.

نوشتار حاضر، با بهره‌گیری از آیات و روایات، نظرات فقها و حقوق‌دانان و نیز با استفاده از نظریه‌های روانشناسی درباره فلسفه تفاوت‌های حقوقی زوجین، علاوه بر تبیین صحیح وظایف مشترک و اختصاصی زن و مرد، علت این تفاوت‌ها را با نگاهی درون‌دینی (آیات و روایات و فقه اسلامی) و برون‌دینی (روانشناسی) بررسی کرده است.

کلیدواژه: حق، تکلیف، حسن معاشرت، تشدید مبانی خانواده، مضاجعت، تمکین.

تبیین مفاهیم

حق در لغت به معنای «مطابقت، یکسانی، هماهنگی و درستی است»¹ و در اصطلاح به فرموده شیخ انصاری، «حق عبارت است از نحوه‌ای از سلطه و توانایی که در پرتو آن صاحب حق می‌تواند مصلحت برای خود به دست آورد»². تکلیف در معنای لغوی به معنای «مشقت و سختی است»³ و در اصطلاح به معنای «موظف کردن در مقابل تعالیم الهی و تبعیت از امر و نهی پروردگار است»⁴.

رابطه حق و تکلیف

میان حق و تکلیف رابطه تنگاتنگی است، وقتی حق در مقابل تکلیف می‌آید، به معنای «امتیازبر» یا «حق‌بر» کسی یا چیزی است. در اینجا تلازم حق و تکلیف مورد لحاظ است؛ یعنی وقتی از «حق» سخن به میان می‌آید در مقابل آن «تکلیفی» مطرح است که باید به آن حق گردن نهد.⁵

از این رو، هنگام صحبت از حقوق و وظایف متقابل زن و شوهر، چیزی که حق زن است، همان وظیفه‌ای است که به عهده شوهر گذاشته شده و وظیفه زن همان اموری است که حق مرد معرفی گردیده است. پس به دلیل عدم امکان تفکیک آنها از یکدیگر، در این مقاله از ذکر جداگانه حقوق و وظایف اجتناب نموده‌ایم؛ یعنی آنگاه که وظایف مرد برشمرده می‌شود، به معنای برشمردن حقوق زن و برشمردن وظایف زن همان حقوق مرد است.

توازن حق و تکلیف، برای خود فرد نیز صادق است؛ یعنی هر جا برای شخص حقی ثابت شده، در مقابل تکالیفی نیز برای او قرار داده شده است. بنابراین، هیچ حقی بر کسی واجب نمی‌شود مگر در مقابل آن حق، وظیفه‌ای مقرر است. بر این اساس، رابطه حق و تکلیف رابطه توازن و تقارن است و آنها موازن و قرین یکدیگرند.

اخلاق در روابط اجتماعی و خانوادگی

در اسلام، سنگ بنای روابط سالم و حسنه انسان‌ها، بر پایه اخلاق بنا نهاده شده است و همواره در آیات، روایات و دستورهای دینی، اخلاق مد نظر شارع مقدس بوده است. بر همین اساس، در تنظیم روابط انسان‌ها قبل از آنکه آنها را به سمت حاکمیت قانون و حقوق سوق دهند، آن‌ها را به رعایت دستورات اخلاقی توصیه نموده‌اند. این ویژگی در خانواده که زیربنای جامعه انسانی است، بیشتر رخ نمایانده است. بر این اساس، اگر روابط زوجین به جای آنکه بر پایه حاکمیت اخلاق استوار باشد، با ابزار حقوق اداره شود، سستی و سردی بر روابط اعضای خانواده سایه می‌گستراند و زندگی بی‌روح و تهی از نشاط و شادابی خواهد شد.

اگرچه این نوشتار، وظایف مشترک و اختصاصی زوجین را با استفاده از منابع اخلاقی، فقهی و حقوقی مورد توجه قرار داده است، به دلیل ترجیح بعد اخلاقی، بر مباحث قانونی و حقوقی، در زمینه روابط اخلاقی تأکید بیشتری دارد.

عدالت در نظام تکوین و تشریح

با اندکی دقت در وظایف و مسئولیت‌های زوجین در خانواده ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا وظایف زن و مرد متفاوت است؟ چرا مدیریت خانواده بر عهده مرد است و چرا زن برای خروج از منزل و برخی امور دیگر باید از شوهر اجازه بگیرد؟

توجه به ظاهر این وظایف و منفک نمودن آنها از دستورات نظام‌مند دین در باب خانواده و به ویژه در بحث روابط زن و شوهر، برخی افراد را در اتقان و استحکام این احکام و به تبع آن اصل دین اسلام، دچار شک و تردید می‌نماید و آنها را سبب ظلم به زن می‌دانند. در پاسخ باید گفت که بی‌تردید محور تقسیم وظایف زن و مرد در خانواده بر اساس تفاوت‌های تکوینی آنها با یکدیگر است که

خداوند در متن خلقت هر یک از آنها قرار داده است و این تفاوت‌ها در حوزه تفاوت‌های زیستی و روحی - روانی قابل بررسی است.

خداوند بر اساس این تفاوت‌ها، در وجود زن و مرد استعدادها، علایق و نگرش‌های خاص همان جنس را قرار داده است؛ همین تفاوت در تکوین و طبیعت آنهاست که زیربنای تفاوت‌های تشریحی و تقسیم وظایف را تشکیل می‌دهد. بی‌شک این تقسیم وظایف از سوی کسی صورت می‌گیرد که نظام هستی را بر پایه حق محوری و عدالت آفریده و چون به تمام زوایای وجودی زن و مرد احاطه کامل دارد، مسئولیت‌ها و وظایفی متناسب با توان و ظرفیت آنها بر عهده‌شان قرار داده و هماهنگ با آن وظایف، ابزار کار لازم را نیز به آنها داده است تا با انجام درست این وظایف در زندگی مشترک، زمینه تفاهم و همدلی هر چه بیشتر آنها فراهم شود. بنابراین، تفاوت در وظایف زن و مرد، ریشه در خلقت متفاوت آنان دارد و این تفاوت‌ها بر اساس عدل و حکمت خداوند تفسیر می‌شود. توجه به این تفاوت‌ها، انگیزه بیشتری در وجود زن و مرد برای انجام بهتر وظیفه‌شان ایجاد می‌کند.

بین زن و مرد تفاوت‌های تکوینی وجود دارد؛ یعنی زن و مرد استعدادها و روحیه‌های متناسب با مسئولیتی که نظام آفرینش بر عهده آنها گذاشته دارند. طبیعت نقش‌های متفاوتی بر عهده زن و مرد قرار داده و ابزار جسمی - روانی ایفای این نقش‌ها را در اختیار آنان گذاشته است. این تفاوت‌ها در آفرینش به منظور دستیابی به اهدافی خاص پی‌ریزی شده است و هرگز بیهوده نیست. نادیده انگاشتن این تفاوت‌ها در واقع نادیده گرفتن برخی از نیازها و استعدادهای طبیعی انسان‌ها و ظلم به آنهاست. از آنجا که قانون برای تأمین بحق نیازمندی‌ها و آماده ساختن عرصه حیات برای رشد و بالندگی استعداد انسان‌ها و احقاق حقوق آنان

است؛ باید تفاوت‌های بین زن و مرد در وضع قانون، بیان حقوق و وظایف که نتیجه قانون‌گذاری است، انعکاس یابد و در نتیجه حقوق و وظایفی هماهنگ و متناسب با نقش‌های طبیعی برای هر کدام وضع گردد تا آنان را در ایفای نقش‌های طبیعی یاری دهد. چیزی که در قانون‌گذاری اسلامی تجلی یافته و موجب تفاوت‌های بین حقوق و وظایف زن و مرد شده است.⁶

در تفسیر نمونه ذیل آیه شریفه «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا»⁷، آمده است:

اگر همه انسان‌ها از نظر هوش، و استعداد روحی و جسمی، یکسان باشند، هرگز نظامات اجتماعی سامان نمی‌یابد، همانگونه که اگر سلول‌های تن انسان از نظر ساختمان و ظرافت و مقاومت همه شبیه هم بودند نظام جسم انسان مختل می‌شد. سلول‌های بسیار محکم استخوان پاشنه پا کجا و سلول‌های ظریف شبکه چشم کجا؟، هر کدام از این دو مأموریتی دارند که بر طبق آن ساخته شده‌اند. هر گروهی (از انسان‌ها) امکانات و استعدادها و آمادگی‌های خاصی دارند که در يك رشته از مسائل زندگی می‌توانند فعالیت کنند و اگر گفته شود جمله «رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ» دلیل بر عدم عدالت اجتماعی است، می‌گوییم این در صورتی است که «عدالت» به معنی «مساوات» تفسیر شود، در حالی که حقیقت عدالت آن است که هر چیز در يك سازمان در جای خود قرار گیرد. ممکن است افرادی در مقام شعار، کلمه

«مساوات» را بدون توجه به مفهوم واقعی آن در همه جا به کار برند، ولی در عمل هرگز نظم، بدون تفاوت‌ها امکان‌پذیر نیست.⁸

پس از بیان این مقدمه باید بدانیم که وظایف متقابل زوجین در دو حوزه وظایف مشترک و وظایف اختصاصی قابل بررسی است که نخست وظایف مشترک آنها بیان می‌شود:

وظایف مشترک زن و شوهر

وظایف مشترک زوجین که در قانون مدنی ذکر شده است عبارتند از: حسن معاشرت، معاضدت در تشیید مبانی خانواده و تربیت فرزند و وفاداری.

1. حسن معاشرت

حسن معاشرت از اصولی است که قرآن کریم در آیات متعدد با بیان مختلف بر آن تأکید می‌ورزد⁹ و استقرار در روابط بین زوجین را وظیفه آنها می‌داند و در دوازده مورد¹⁰ به نهادینه کردن این اصل در خانواده می‌پردازد.

ماده 1103 قانون مدنی نیز اینگونه بیان می‌کند: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند».¹¹ روشن است که برای تأمین دوام خانواده، سکونت مشترک زن و شوهر کافی نیست؛ آنان در ضمن ازدواج، داوطلب شده‌اند که با هم به سر برند و در غم و شادی هم شریک باشند. همسری زن و مرد به معنای آن است که سلوک و رفتارشان با هم با خوشرویی و مسالمت و مهربانی باشد و از اعمالی که باعث ایجاد نفرت و کینه یا غم و اندوه، نگرانی و اضطراب در دیگری می‌شود، پرهیزند.

نکته مهم این است که تعیین مصادیق سوء معاشرت و یا حسن معاشرت از

سوی قانون به دلیل تأثیر عادات، رسوم اجتماعی و...، به طور دقیق ممکن نیست. بنابراین، نمی‌توان شکل واحد و استاندارد را برای حسن معاشرت از سوی مراجع قانونگذاری تعیین نمود، بلکه تعیین نوع و کیفیت آن را قانون با رجوع اشخاص به عرف معقول و توجه به مقتضیات زمانی و مکانی حل می‌نماید.¹² به علاوه همه حقوقدانان معترفند که در حریم خانواده، نفوذ قانون و التزام برای تحقق مفاد آن بدون پشتوانه اخلاق، امری غیرممکن است و ورود دولت مردان و مسئولین قضایی به حمایت از آیین‌نامه‌های حقوقی، کمتر توانسته است به معضلات خانواده پاسخ مناسب دهد و هرچه این کانون از دست‌برد جنجال‌ها و کشمکش‌های حقوقی مصون‌تر باشد، ثبات و استحکام بیشتری دارد و افراد آن از شخصیت کامل‌تری بهره‌مندند. با اندکی مسامحه می‌توان پاره‌ای از مصادیق حسن معاشرت را اینگونه برشمرد:

الف) خوش خلقی و گشاده‌رویی

قرآن کریم از ویژگی‌های برجسته شخصیت حضرت رسول اکرم⁹ را نرمی اخلاق و خوش‌رویی و نفوذ در انسان‌ها معرفی می‌کند.¹³ برخورد با روی خوش و چهره باز با دیگران، باعث جذب دل‌ها، فزونی محبت، نشاط و شادی، زدودن کینه از دل‌ها،¹⁴ سلامت جسم و روان، جلوگیری از ابتلا به ضعف اعصاب و بیماری‌های روانی و محبوبیت انسان در نزد دیگران و در نهایت پیروزی بر مشکلات می‌شود.

تعامل خوب زوجین با یکدیگر، علاوه بر فراهم نمودن فضای گرم و صمیمی در خانواده، گام بزرگی در تأمین امنیت روانی، نشاط، شادابی¹⁵، سلامت جسمی و روحی اعضای خانواده خواهد بود. از این رو، امیرالمؤمنین⁷ بهترین زنان را چنین معرفی فرمود:

بهترین زنان شما پنج صفت دارند، سبکبار و کم صداقتند؛ نرم‌خو و خوش رفتارند؛ مطیع و موافقتند؛ آنگاه که همسرش خشم گیرد، خواب به چشمش نرود تا از او راضی گردد؛ در غیاب شوهرش حافظ (مال و آبروی) اوست. چنین زنی کارگزار از کارگزاران خداوند است و عامل خداوند نیز ناکام و خسارت دیده نخواهد شد.¹⁶

در مقابل نیز، آموزه‌های دینی به این ویژگی زن توجه نموده است که زن از نظر خلقت و آفرینش موجودی بسیار ظریف، لطیف، کانون مهر و عاطفه و منبع عشق و علاقه و شرم و حیا است. بنابراین، به مرد توصیه می‌کند که در رفتار خود با همسرش این ویژگی‌ها را که با روحیه لطیف او سازگار است، رعایت کند. به همین دلیل قرآن کریم با خطاب «و عاشروهنّ بالمعروف»¹⁷، به مردان سفارش می‌کند که با زنان خود به نیکی و معروف رفتار کنند.

واژه «معروف» 38 بار در قرآن آمده که 19 مورد آن توصیه به مردان در رعایت تعادل رفتاری در برقراری روابط انسانی و اخلاقی با همسر است.¹⁸ در روایات اسلامی نیز در موارد متعددی به خوش رفتاری با زن سفارش شده است؛ از جمله پیامبر اکرم⁹ می‌فرماید: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِنِسَائِي»¹⁹ بهترین شما مردی است که با زنش خوش رفتارتر باشد و من از همه شما نسبت به زنانم خوش رفتارترم».

ب) احترام به همسر و تکریم شخصیت او
رعایت احترام و حفظ شخصیت همسر و خانواده او، از دیگر مصادیق حسن معاشرت است؛ دوست داشتن شخصیت و نیاز به حفظ شخصیت توسط دیگران از

نیازهای همه انسان‌هاست و تأکید آموزه‌های دینی و اصول تربیتی دین اسلام بر حفظ شخصیت دیگران در راستای پاسخ‌گویی به این نیاز و حفظ کرامت ذاتی انسان است.

در روایات رسیده از بزرگان دین، زنی که احترام شوهر را نگه می‌دارد و او را اذیت نمی‌کند، زن خوشبخت و سعادت‌مند معرفی گردیده است. امام صادق⁷ می‌فرماید: «سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَ لَا تُؤْذِيهِ»²⁰ خوشبخت است خوشبخت، زنی که شوهرش را تکریم نماید و او را اذیت نکند».

از سوی دیگر، از منظر پیشوایان دین، اکرام زن توسط همسرش، حکایت از کرم و طبع بلند مرد دارد و اهانت به زن نشان‌دهنده حقارت نفس اوست.²¹ یکی از تفاوت‌های روانشناسی زن و مرد، نیاز زن به احترام و نیاز مرد به تقدیر است. وقتی مرد در رفتارش به اندیشه‌ها و احساسات همسرش توجه می‌کند، زن کاملاً مطمئن می‌شود که شوهرش برای او احترام قایل است و وقتی زن حس کند که مورد احترام شوهرش قرار گرفته است، به راحتی از همسرش تقدیر می‌کند و با این کار یکی از نیازهای اساسی او را برآورده می‌سازد.²² بی‌تردید حفظ احترام و شخصیت یکدیگر باعث صمیمی‌تر شدن و تحکیم روابط زوجین و در نتیجه، حفظ استحکام خانواده خواهد بود و بر فرزندان تأثیر مثبت مستقیم دارد؛ به آنها می‌آموزد که به همگان احترام بگذارند و از توهین و تحقیر دیگران بپرهیزند.

ج) زینت و آراستگی

رعایت نظافت و آراستگی از دیگر وظایف مشترک زوجین نسبت به یکدیگر است که به دلیل اهمیت آن، در آموزه‌های وحیانی مورد توجه قرار گرفته است. نبی مکرم اسلام - وظایف مرد را نسبت به همسرش این گونه برمی‌شمارد: «بر مرد واجب است که غذا و لباس همسرش را تأمین کند و با صورت و قیافه بد بر او

ظاهر نشود. اگر چنین کرد، حقش را ادا کرده است».²³ در سخن دیگری امام باقر⁷ می‌فرماید: «زنان دوست دارند در مرد همان چیزی را ببینند که مردان دوست دارند در زنان ببینند؛ یعنی زینت و آراستگی را».²⁴

سیره عملی رسول اکرم⁹ به وضوح بیانگر توجه حضرت به آراستگی و نظافت است؛ به گونه‌ای که به فرموده امام صادق⁷: «پیامبر اکرم⁹ برای بوی خوش، بیشتر از خوراک، خرج می‌کرد».²⁵

امام کاظم⁷ می‌فرماید: «آراسته و مرتب بودن از اموری است که باعث زیاد شدن عفت در زنان می‌شود و (برخی) زنان بدان علت از طریق عفت خارج شدند که مردانشان به مرتب بودن و زیبایی مقید نبودند».²⁶

به فرموده پیامبر اکرم⁹، بر زن نیز لازم است که برای شوهر، بهترین لباس‌ها، بهترین عطرها و بهترین آرایش‌ها را استفاده نموده و خود را صبح و شب بر شوهر عرضه نماید.²⁷ اگرچه مسئله آراسته بودن برای همسر، از وظایف مشترک زن و مرد محسوب می‌شود، اما توصیه و تأکید به زن در این زمینه بیشتر است. این مسئله به قدری اهمیت دارد که در صورت عدم رعایت زن نسبت به نظافت و آراستگی خود، در صورتی که شوهر خواستار آن باشد مصداق نشوز به شمار می‌رود.²⁸

بی‌شک توجه دین اسلام به نظافت و آراستگی زن و مرد، به علت تأثیر زیاد آن در ایجاد اطمینان و اعتماد بین آنها و ازدیاد محبت و عواطف قلبی آنها نسبت به یکدیگر است که این امور خود باعث ایجاد امنیت اجتماعی و حفظ سلامت روان جامعه خواهد بود.²⁹

سفارش اسلام به زن به زینت کردن و معطر نمودن خود برای شوهر، هیچگاه مجوز استعمال عطر و آرایش برای نامحرمان نمی‌باشد. بر همین اساس، تأکید آموزه‌های اسلامی بر حفظ خود و خودداری از استعمال عطر و آرایش زن برای

نامحرمان است. سخن رسول اکرم⁹ که می‌فرماید: «هر زنی که عطر بزند و بیرون رود و بر گروهی بگذرد که بوی خوش او را استشمام کنند، زناکار است»³⁰ دلیلی گویا بر این مدعا است.

تأکید اسلام بر رعایت حقوق همسر، به دلیل تأثیر بسیار مثبت در روابط زوجین و سلامت روح و جسم اعضای خانواده و در نتیجه حفظ استحکام خانواده و تعادل و ترقی جامعه می‌باشد. در این صورت، آرزوی داشتن جامعه‌ای متعالی و ایده‌آل دور از دسترس نخواهد بود.

د) همدلی و مشارکت در انجام امور داخلی خانواده

تداوم و رشد و تعالی اعضای خانواده که واحدی منسجم است، نیازمند همدلی و مشارکت همه اعضای خانواده به ویژه زوجین است. بر همین اساس، آموزه‌های دینی به گونه‌ای وظایف اعضای خانواده را تقسیم نموده است که همه خود را در برابر آن مسئول بدانند تا خانواده بتواند کارکردهای خود را به نحو بهتر و مؤثرتری ایفا نماید.

اگرچه بخشی از فعالیت‌های منزل بر عهده مرد یا زن نیست، ولی نکته مهم همکاری و مساعدت آنان با یکدیگر است که زمینه‌ساز صمیمیت و تفاهم بین آنها و فراهم نمودن فضای شادابی و نشاط در خانواده می‌شود. اگرچه انجام امور منزل به عنوان واجب شرعی و قانونی بر عهده زن نیست و حتی در فقه آمده است: «مرد حق ندارد زن خود را به خدمت خانه مجبور کند»³¹، ولی این امر از وظایف اخلاقی زن محسوب می‌شود؛ چراکه این کار نقش اساسی در شادابی، دوام و استحکام خانواده دارد و مرد را نسبت به خانواده دل‌گرم‌تر و امیدوارتر خواهد کرد و نشان دهنده عشق و علاقه زن نسبت به شوهر و فرزندان خواهد بود و همچنین زمینه‌ساز اظهار عبودیت و بندگی بیشتر اعضای خانواده و تربیت نسلی صالح

می‌باشد. به همین دلیل زن باید به ارزش خدمت خود در خانه پی برده و هیچگاه نپندارد که زحمات و خدمات روزمره و تکراری او اموری بی‌فایده و بیهوده است که کسی قدردان آنها نیست.

پیامبر اکرم⁹ فرمود:

أَيُّمَا امْرَأَةً رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ
تُرِيدُ بِهِ صَلَاحًا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا وَ مَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يُعَذِّبْهُ.³²

هر زنی در خانه شوهر به منظور زیباسازی چشم انداز چیزی را جابجا کند، خداوند به او نظر رحمت اندازد و هر که مورد نظر رحمت خدا باشد از عذاب او در امان است.

و در سخنی دیگر امام باقر⁷ ارزش خدمت زن به شوهر را زمینه‌ساز دستیابی به پاداش‌های عظیم می‌داند و می‌فرماید:

هیچ زنی نیست که جرعه‌ای آب به همسرش بنوشاند مگر این که این کار برای آن زن از عبادت یک سالی که روزهایش روزه باشد و شب‌هایش به عبادت بایستد بهتر است و خداوند به پاداش هر جرعه آبی که به همسرش می‌نوشاند، برای او در بهشت شهری می‌سازد و شصت خطا از خطاهای او را می‌بخشد.³³

از سویی، علاوه بر بیان ارزش خدمت زن در منزل، مردان را نیز تشویق به کار در خانه و کمک به همسر می‌نمایند. رسول اکرم⁹ به امام علی⁷ می‌فرماید:

ای علی، خدمت نمی‌کند به خانواده مگر صدیق یا شهید یا مردی که خداوند بخواهد خیر دنیا و آخرت را به او دهد. مردی نیست که به همسرش در خانه کمک کند مگر آنکه به

تعداد موهای بدنش، عبادت یک سال روزه با نماز در شب-
هایش برای او پاداش قرار می‌دهند و خداوند پاداش پیامبران
صبوری مانند داوود⁷ و یعقوب و عیسی⁷ را برای او
قرار می‌دهد.³⁴

این تعاون و همکاری نه فقط در سخنان بلکه در سیره رفتاری اولیای دین نیز به
چشم می‌خورد. چنانکه در زندگی حضرت علی⁷، ایشان تهیه آب و همیز خانه و
جارو و نظافت را بر عهده می‌گرفت و حضرت فاطمه⁷ آرد کردن، خمیر و پخت
نان را انجام می‌داد.

مسلم است که همراهی و همکاری زن و شوهر در اداره امور زندگی و انجام
کارها در منزل، رعایت نظم و پرهیز از مسامحه کاری در امور زندگی، علاوه بر
کمک به صمیمی تر شدن روابط آنها و کاهش خستگی‌های روزانه، بهترین الگو
برای فرزندان در جهت یادگیری تعاون و همکاری با دیگران و آموزش نظم به
آنهاست.

ه) حاکمیت فضای صمیمیت، مودت و گذشت در خانواده

آنچه که از آیات قرآن³⁵ و توصیه‌های معصومین و شیوه عملی آنها به دست
می‌آید این است که، ازدواج زمینه‌ساز مودت و رحمت بین زن و شوهر است و
محیط خانه جایگاه صمیمیت، آرامش، عطف و رحمت و گذشت از خطاهای
یکدیگر. چشم‌پوشی از لغزش‌های دیگران که در مباحث تربیتی «تغافل» نامیده
می‌شود، از اصول تربیتی دین اسلام است و توجه به آن سبب نزول رحمت الهی و
افزایش محبت بین اعضای خانواده می‌شود. بنابراین، کسی حق ندارد به هیچ
بهانه‌ای به خشونت متوسل شود. در سیره پیامبر اکرم⁹ که الگوی جهانیان است³⁶
هیچ مجوزی برای اعمال زور، خشونت در خانواده وجود ندارد، بلکه سخنان و

سیره پیامبر اکرم⁹ حکایت از ترغیب مسلمین به ایجاد فضای صمیمیت و رحمت در خانه و پرهیز از اذیت دیگران دارد.³⁷

ایشان حتی نشستن نزد خانواده و گفتگوی صمیمی و روابط مودت‌آمیز با اعضای خانواده را معادل برخی پاداش‌ها و یا برتر از آنها می‌داند: «نشستن نزد خانواده از اعتکاف در مسجدالنبی، نزد خدا محبوب‌تر است»³⁸. پیامبر اکرم⁹، ایجاد چنین فضایی در خانواده را سبب نزول رحمت می‌داند و می‌فرماید:

هر مردی که سفره غذا را بگستراند و زن و فرزند خویش را بخواند و غذا را با نام خدا شروع کنند و با شکر خدا به پایان برند، هنگامی که هنوز سفره برداشته نشده است، خدا رحمت و آمرزش را بر آنان نازل فرماید.³⁹

2. معاضدت در تشیید مبانی خانواده و تربیت فرزند

مراد از تشیید مبانی خانواده، تلاش زن و شوهر در نزدیک ساختن منش و روش و خلق و خوی آنها به یکدیگر است، به گونه‌ای که از ارتباط صمیمی و تفاهم آن دو در ابعاد مختلف، یکی شدن و وحدت و در نتیجه استحکام پیوند زناشویی حاصل شود.⁴⁰

زوجین، علاوه بر یاری یکدیگر برای اداره خانواده، باید به هنگام بیماری و درماندگی از مواظبت و پرستاری همسر خود دریغ نورزند. تعیین حدود این وظیفه نیز با عرف است.⁴¹ بنابراین، مبانی خانواده که قانون زن و شوهر را مکلف به تحکیم آن نموده، اموری است که خانواده بر پایه آن قرار گرفته است و استواری و استقامت خود را حفظ می‌نماید. این امور فراتر از رعایت حقوق واجب همسر است و شامل حقوق غیرواجب نیز می‌شود و روابط کلامی و غیر کلامی زوجین را نیز در بر می‌گیرد. بر این اساس، تلاش زوجین برای یاری رساندن به همدیگر،

برای اداره امور خانواده و نیز توجه به مسایلی همچون رعایت احترام متقابل، وجود رابطه صمیمی و محبت آمیز با یکدیگر، صداقت داشتن، گذشت، توجه به تأمین نیازهای عاطفی و جنسی یکدیگر و... از اموری است که سبب محکم تر شدن پیمان زناشویی بین آنها شده و به استحکام خانواده می انجامد. از این رو، زن موظف به پذیرش مدیریت و قوامیت مرد است و باید او را در انجام این وظیفه یاری رساند و مرد نیز وظیفه دارد به نیازهای مختلف همسر توجه نماید و با فراهم نمودن فضای مودت و محبت در خانواده و تحمیل نکردن خواسته‌های غیرمنطقی و پرهیز از آزار و اذیت همسر، به بهداشت روانی خود، همسر و فرزندان، کمک کند و موجبات تشدید و استحکام خانواده را فراهم نماید.

به اعتقاد حقوقدانان، باید پذیرفت که وظیفه مربوط به معاضدت زوجین، با تکالیف ناظر به حسن معاشرت و سکونت مشترک همبستگی و ارتباط فراوان دارند.⁴² در این بحث نباید از علاقه و ابراز محبت زوجین نسبت به یکدیگر که اصلی مهم و اساسی است، غفلت نمود؛ زیرا ابراز علاقه و محبت زوجین به یکدیگر ضامن تحکیم خانواده و حفظ عفت و پرهیزگاری زوجین می باشد. آموزه‌های دینی این نیاز را مورد توجه قرار داده و زوجین را همواره به رعایت این امر مهم توصیه و تشویق می نماید. پیامبر اکرم⁹ فرمود: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا»⁴³ این گفته مرد به همسرش که دوستت دارم، هرگز از قلب او خارج نمی شود».

اگر زن در معرض نسیم روح افزای محبت و علاقه همسرش قرار گیرد، فرزندان را در معرض نسیم مهربانی و محبت‌های بی دریغ خود قرار خواهد داد. شهید مطهری (ره) در این زمینه بیان کرده است:

مرد مانند کوهسار است و زن به منزله چشمه و فرزندان

به منزله گل‌ها و گیاه‌ها. چشمه باید باران کوهساران را دریافت و جذب کند تا بتواند آن را به صورت آب صاف و زلال بیرون دهد و گل‌ها و گیاه‌ها و سبزه‌ها را شاداب و خرم نماید. اگر باران به کوهستان نبارد، یا وضع کوهسار طوری باشد که چیزی جذب زمین نشود، چشمه خشک و گل‌ها و گیاهان می‌میرند، پس همان طوری که رکن حیات دشت و صحرا باران و بالاخص باران کوهستانی است، رکن حیات خانوادگی احساسات و عواطف مرد نسبت به زن است.⁴⁴

نیاز زن به محبت، عاطفه، و عشق‌ورزی و نیاز مرد به تحسین به علت تفاوت‌های روانشناسی زن و مرد است.⁴⁵ بهترین الگوی روابط عاطفی زوجین در خانواده زندگی سراسر عشق حضرت علی⁷ و حضرت زهرا⁸ است و ابراز محبت آنان به یکدیگر از درخشان‌ترین صفحات زندگی مشترک در طول تاریخ است.⁴⁶

3. وفاداری

اگرچه در قانون مدنی، هیچ اشاره‌ای به تکلیف وفاداری زن و شوهر نشده و تعریفی از آن ارائه نگردیده است، ولی باید توجه داشت که سکوت قانونگذار به خاطر بدیهی بودن این تکلیف است. مراد از وفاداری منحصر نمودن رابطه جنسی - با همه مظاهر آن - با همسر است؛ از این رو در فرهنگ اسلام، رابطه آزاد بین زنان و مردان با غیر همسر خویش، در هر حال ممنوع و ناپسند است.

لطمه‌ای که به علت رابطه نامشروع زن یا شوهر با (فرد) دیگری، بر بنیان خانواده وارد می‌شود، از نظر حقوقی نیز بی‌مکافات نیست.⁴⁷ پس، نباید تکلیف وفاداری همسر را فقط تکلیف اخلاقی پنداشت؛ زیرا حقوق نیز رابطه جنسی کسی را که ازدواج کرده، با کسی غیر از همسر، ممنوع کرده است.⁴⁸ بر همین اساس،

خداوند متعال در سوره نور⁴⁹ به مسلمانان توصیه نموده است که از هر گونه رابطه با نامحرم که منجر به افتادن در ورطه گناه و انحراف اخلاقی و جنسی است، پرهیزند و زن و شوهر را موظف به رعایت حدود و مرزهای الهی نموده است که باید نسبت به یکدیگر وفادار باشند و از هر گونه رابطه غیرمشروع با زن یا مرد دیگری خودداری نمایند.

در قانون مجازات اسلامی، کیفر زن شوهردار (محصنه) که با مرد دیگری رابطه نامشروع دارد، یا مرد زن داری (محسن) که با زن دیگر رابطه نامشروع برقرار کرده است، ممکن است تا اعدام نیز (در صورت وجود شرایط خاص)⁵⁰، معین شود. این امر، اهمیت تکلیف مربوط به وفاداری و ارتباط آن با نظم عمومی را به خوبی نشان می دهد.⁵¹

عدم وفاداری زن و شوهر به یکدیگر به شکل های گوناگونی خود را نشان می دهد از جمله: عدم رعایت حریم و حدود شرعی در سخن گفتن با نامحرم، پوشش نامناسب در مواجهه با او و یا خیانت به همسر با نگاه هوس آلود به نامحرم و یا بیگانه را به خود راه دادن و ...

وظایف اختصاصی مرد در خانواده (حقوق زن بر شوهر)

1. نفقه

از نظر اسلام، تأمین هزینه خانواده و از جمله مخارج شخصی زن، بر عهده شوهر است. وجوب نفقه جزء مسلمات فقه⁵² و حقوق اسلامی⁵³ است و آیات⁵⁴ و روایات زیادی مؤید این مطلب است. به موجب ماده 1107 قانون مدنی، نفقه عبارت است از: مسکن، البسه، غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و نیز داشتن خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء.⁵⁵

در فقه و قانون مدنی، اندازه‌ای برای نفقه معین نشده است، بلکه ملاک و میزان در پرداخت نفقه، عرف و نیاز عرفی است. بنا بر فرموده امام خمینی (ره):
نفقه شرعاً اندازه‌ای ندارد، بلکه قاعده این است که به آنچه زن احتیاج دارد از قبیل غذا، خورش، پوشش، فرش و... و خادم داشتن و وسایلی که برای آشامیدن و پخت و پز و نظافت و غیر اینها به آن نیاز دارد، قیام نماید.⁵⁶

اگرچه میزان نفقه از نظر فقه اسلامی به عرف و شأن عرفی زن موقوف شده است، ولی بنا به گفته برخی حقوقدانان به نظر می‌رسد که موقعیت و وضع مالی شوهر نیز باید مورد نظر باشد؛ زیرا زن و شوهر پس از نکاح یک خانواده را تشکیل می‌دهند و جدای از هم نیستند. بنابراین، اگر مردی ثروتمند با زنی فقیر ازدواج کند، حق ندارد وضع گذشته او را مبنای تعیین مقدار نفقه بداند. همچنان که اگر زنی ثروتمند با کارگر ساده‌ای ازدواج کند، نمی‌تواند از او انتظار فراهم آوردن زندگی اشرافی داشته باشد.⁵⁷

البته وجوب نفقه در صورتی است که عقد دائم باشد⁵⁸ و زن نیز از شوهر خود تمکین نماید⁵⁹، در صورت عدم تمکین زن، بدون هیچ مانع مشروعی، نفقه او از عهده شوهر ساقط می‌شود.⁶⁰

از سوی دیگر نیز، اگر مرد به وظیفه خود عمل ننماید و نفقه همسر خود را بدون هیچ دلیل مشروعی نپردازد به موجب ماده 105 قانون مجازات اسلامی (تعریضات)، هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد، دادگاه می‌تواند او را به شلاق تا 74 ضربه محکوم نماید.⁶¹ ماده 1129 قانون مدنی برای تأیید بیشتر و عادلانه بودن، اینطور بیان می‌کند که در صورت استتکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او

به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق می‌نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.⁶²

در تنظیم روابط زوجین، همیشه اخلاق مقدم بر قانون است و قواعد اخلاقی بیش از قواعد حقوقی حکومت دارد. در این رابطه، سخن از عواطف انسانی، عشق و صمیمیت و وفاداری است و حقوق برای حکومت کردن بر آنها ناتوان است. از این رو، به زور اجرائیه دادگاه، نه می‌توان مرد را به حسن معاشرت با زن و رعایت حقوق او واداشت و نه می‌توان زن را به اطاعت از شوهر و وفاداری و ادای وظیفه خود در قبال او مجبور کرد. فقط «اخلاق» می‌تواند این وحدت معنوی را حفظ نماید، نه زور قانون و در مواردی می‌توان به حقوق و قانون مدنی متوسل شد که هیچ راهی برای استیفای حقوق نمانده باشد.

آموزه‌های دینی همواره قوانین مربوط به خانواده را با رعایت مسایل اخلاقی تلطیف می‌کند تا اخلاق و قانون در کنار هم فضای متعادلی ایجاد کنند. از این رو، اگرچه دین نفقه زن را متناسب با عرف متعارف و شأن زن، بر مرد واجب می‌داند، ولی در کنار آن با بیان احادیثی سعی می‌کند مرد را در وسعت دادن بر عیال و خانواده خود تشویق نماید و یا اینکه در صورت عدم توانایی مالی، سعی کند به گونه‌ای با رفتار خود، رضایت خاطر همسر و خانواده را جلب نماید. امام سجاد⁷ می‌فرماید: «مقرب‌ترین شما کسی است که خوش اخلاق‌تر باشد و آن کس که بیشتر به زندگی عیال خود توسعه بخشد، بیشتر مورد خشنودی خداوند است»⁶³.

اگرچه زن در صورت دریافت نکردن نفقه، می‌تواند به دادگاه شکایت کند و درخواست طلاق نماید، ولی اخلاق حکم می‌کند در صورتی که مردی در تأمین مخارج همسر و فرزندانش کوتاهی نمی‌کند، ولی به دلایلی توان پرداخت نفقه را ندارد، زن با او مدارا و همراهی نماید و حتی با حمایت عاطفی از همسر، دل‌داری

دادن و دلگرمی بخشیدن، او را تشویق به تلاش برای کسب درآمد از راه حلال نماید و در آن شرایط تقاضای خارج از توان مرد ننماید. پیامبر اکرم⁹ می‌فرماید: هر زنی که با همسرش مدارا نکند و از او چیزی را طلب کند که انجام آن در قدرتش نباشد، از چنین زنی هیچ حسنه‌ای قبول نخواهد شد (و روز قیامت) خدا را در حالی ملاقات می‌کند که بر او غضبناک باشد.⁶⁴

2. ریاست بر خانواده (قوامیت)

بر اساس آیه شریفه 34 سوره نساء، دومین وظیفه مرد، مدیریت و ریاست او بر خانواده است. کلمه «قیم» یعنی، مسئول قیام به امر شخص دیگری است و کلمه «قوام» و نیز «قیام» مبالغه در همین قیام است.⁶⁵ سرپرستی و ریاست مرد در دو بخش، قابل بررسی است:

الف) قوامیت شوهر (ریاست شوهر بر زن) که در رابطه زوجیت است؛
ب) ولایت پدر (ریاست پدر بر فرزند) که در رابطه ابوت و بنوت است.
برای استمرار حیات خانواده، مدیر و رئیسی نیاز است تا اداره امور آن را بر عهده گیرد. تنها شکل مدیریت صحیح خانواده، همان است که دین اسلام بدان اشاره فرموده است. علامه جعفری (در این زمینه می‌گوید:

صورت معقول این مدیریت همان نظام شورایی با سرپرستی و مدیریت اجرایی مرد (است) که این حالت برای اداره منطقی خانواده، شرط لازم و فوق‌العاده با اهمیت است، به شرط آنکه اعضای شورا با کمال تقوی و عدالت و بی-طرفی از تمایلات شخصی در اداره خانواده دست به کار شوند.⁶⁶

سؤال اصلی این است که دلایل سپردن این مسئولیت به مرد - نه زن - چیست؟
در پاسخ به سه دلیل عقلی، نقلی و قانون مدنی می توان اشاره نمود.

از نظر عقلی، مدیریت مرد بر خانواده و زن، به این دلیل است که مبادرت به انتخاب همسر و تشکیل خانواده، حمایت از همسر، تأمین معاش زن و فرزندان و حفظ مصالح آنها به طور طبیعی بر عهده مرد است. بنابراین، اگر قرار باشد نیازهای حمایتی، اقتصادی و نیز حفظ و حراست از آنها و کیان خانواده به عهده مرد باشد و ریاست و سرپرستی به عهده کسی دیگر، ظلم بزرگی به مرد خواهد شد.

دلیل نقلی و اگذاری این مسئولیت به خوبی در قرآن مجید قابل ملاحظه است، آنجا که می فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»⁶⁷.

ریاست مرد بر خانواده در قانون مدنی نیز مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، ماده 1105 قانون مدنی می گوید: «در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصایص شوهر است»⁶⁸.

قوامیت، حق یا تکلیف

اکنون این پرسش مطرح است که آیا قوامیت، حق مرد است یا تکلیفی بر عهده او؟

نخست، ریاست و قوامیت مرد، مسئولیت و وظیفه تلقی می شود. پس از آن موقعیتی برتر و امکانات و اختیاراتی ویژه برای فعلیت بخشیدن به وظایف ناشی از این مسئولیت است. بنابراین، ریاست بر خانواده و قوامیت، تکلیفی برای حمایت، کاراندیشی و حفظ صلاح و مصلحت خانواده و اعضای آن است و از امور مربوط به نظم عمومی می باشد، ولی با در نظر گرفتن اختیارات و امتیازات ناشی از این اقتدار قانونی و روا نبودن ممانعت و مزاحمت دیگران با آن، چهره ای از حق به

خود می‌گیرد و در نهایت، ریاست مرد بر خانواده، به صورت آمیزه‌ای از حق و تکلیف جلوه‌گر می‌شود.⁶⁹

نکته دیگر آن است که مسئولیت مدیریت و ریاست بر خانواده به دلیل امری و تکلیفی بودن آن، قابل اسقاط یا واگذاری نیست. بنابراین، زوجین نمی‌توانند با انعقاد قرارداد مخصوصی یا شرط ضمن عقد، این موقعیت را نادیده انگارند یا از اقتدار قانونی آن بکاهد یا قلمرو آن را محدود سازند.⁷⁰

حال این سؤال پیش می‌آید که دامنه این مدیریت تا کجاست؟ آیا در همه امور مربوط به زن، مرد مدیریت دارد یا مدیریت او فقط در امور خاصی است؟

در محدوده قوامیت شوهر بر زن، از آنجا که حاکمیت از آن خداست و اصل اولی عدم سلطه، حاکمیت و ولایت انسانی بر انسان دیگر است، مگر اینکه دلیل معتبری از ناحیه شرع مقدس بر این امر اقامه شود، این محدوده قوامیت و ریاست شوهر بر زن، فقط مربوط به زندگی خانوادگی و همسراری و محدود به شئون زوجیت است و از آن فراتر نمی‌رود. بنابراین، ریاست شوهر فقط امور مربوط به خانواده و مصالح آن را شامل می‌شود.⁷¹ از این رو، علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: قوامیت مرد بر همسرش به گونه‌ای نیست که اراده و تصرف زن را در ملک خویش سلب کند یا زن را از استقلال و حفظ حقوق اجتماعی و فردی خود و دفاع از آن باز دارد، بلکه معنی آن این است که چون مرد در مقابل تمتع خود از زن، مالی را به او می‌پردازد، زن نیز باید در آنچه مربوط به تمتع مرد و کامجویی او از زن است، مطیع و در غیاب شوهر حافظ ناموس او باشد.⁷²

البته تعیین این محدوده، به معنای کم اهمیت جلوه‌دادن مدیریت مرد نیست،

بلکه تأکیدی است بر اینکه زن در حفظ مصالح خانواده، رعایت شئون زوجیت و حق تمتع شوهر، وظیفه سنگینی به عهده دارد، در عین حال قوامیت مرد بر او، سبب سلب آزادی و سایر حقوق انسانی و اجتماعی او نیست.

قرآن به مرد حق حکومت و ریاست عادلانه داده است نه حق تحکم و زورگویی. از این رو، مرد موظف به انجام صحیح این مسئولیت به دور از هرگونه اعمال سلیقه و ایجاد فشار بر دیگر اعضای خانواده است و زن نیز موظف است این ریاست را بپذیرد و در جهت مصالح خانواده و تأمین فضایی آرام و توأم با صمیمیت و مودت، با مرد همکاری نماید.

1. مضاجعت، بیتوته، قسم

یکی دیگر از وظایف مرد در برابر همسرش، «مضاجعت، بیتوته یا قسم» است. از نظر بسیاری از فقها، مرد باید هر چهار شب یک شب، نزد همسر دائمی خود بماند؛⁷³ یعنی شب را با او به سر برد و در خورد و خوراک با او باشد و در بستر او بخوابد و صبح هم با او باشد البته بر حسب متعارف و معمول.⁷⁴ مگر در حالت عذر یا مسافر بودن یا با اجازه همسر یا بخشیدن حق خود.

برخی از فقها نظیر امام خمینی (ره)، مضاجعت به شکل مذکور را واجب نمی‌دانند. امام خمینی (ره) در این مورد می‌فرماید:

کسی که یک زن دارد، این زن بر او حق همخوابگی هر شب را ندارد، بلکه بنابر اقوی در هر چهار شب یک شب هم حق ندارد، بلکه آنچه لازم است این است که از او دوری نگزیند و او را مانند معلقه که نه صاحب شوهر است و نه طلاق داده شده است، رها ننماید.⁷⁵

«قسم» در موردی است که مردی دارای چند همسر است، در این صورت باید

شبهایش را بین آنها تقسیم کند.⁷⁶

وظایف اختصاصی زن در خانواده (حقوق شوهر بر زن)

در حدیثی از امام باقر⁷ روایت شده است:

زنی خدمت پیامبر اکرم⁹ رسید و از حق شوهر بر زن پرسید، حضرت فرمود: «اینکه او را اطاعت کند و با او مخالفت ننماید، از خانه او چیزی بدون اجازه صدقه ندهد؛ او را از کامگیری منع ننماید هر چند بالای شتر باشد و بدون اجازه شوهر از خانه خارج نشود. اگر بدون اجازه از خانه خارج شود فرشتگان آسمان و فرشتگان غضب و رحمت همگی او را لعنت می‌کنند تا به خانه برگردد.⁷⁷»

بنابراین، با توجه به احادیث و موارد موجود در متون فقهی و حقوقی، وظایف

زن نسبت به شوهر عبارتند از:

1. تمکین

«تمکین» در لغت به معنای قبول کردن و فرمان بردن است و در اصطلاح به معنای: «فراهم آوردن زمینه‌ها و برآوردن نیازهای مرد می‌باشد. تمکین که از وظایف مهم و اساسی زن است، دو قسم دارد: تمکین خاص؛ تمکین عام.

الف) تمکین خاص

تمکین خاص یعنی، برآوردن نیازهای غریزی و جنسی مرد⁷⁸ که در قرآن کریم⁷⁹ بدان اشاره شده است. قرآن کریم زنانی را که نسبت به شوهر خود تمکین و اطاعت‌پذیری دارند، زنان صالح، خاضع و متعهد در برابر همسر و نظام خانواده معرفی می‌فرماید: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»⁸⁰؛ چرا که

اولین نشانه این زنان، تعهد آنان در پذیرش حکم خداوند و انجام رسالت همسری است.

به فرموده علامه طباطبایی (ره):

کلمه (قنوت) عبارت است از: دوام طاعت و خضوع و از اینکه در مقابل اینگونه زنان، زنان ناشزه را قرار داد. از «وَلِالْمَاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ» به دست می‌آید که مراد از «صالحات» نیز همسران صالح است، نه هر زن صالح و حکمی که روی صالحات کرده است و فرموده صالحات چنین و چنانند، مخصوص زنان در حال ازدواج است نه مطلق زنان.⁸¹

بنابراین، تمکین شوهر، فقط ارضای نیاز جنسی او نیست، بلکه در حقیقت، خشوع در مقابل امر خدای تعالی و در راستای علاقه به حفظ قداست و استحکام خانواده و ارج نهادن به شخصیت خود و همسر است. این وظیفه مهم زن را باید فراتر از نگاه حیوانی و شهوانی به آن تفسیر نمود و تمکین در مقابل شوهر را باید در محدوده اطاعت از اوامر الهی تفسیر کرد.

نه فقط آیات، بلکه روایات نیز به بیان این وظیفه مهم پرداخته‌اند. در حدیثی از پیامبر اکرم⁹ نقل شده است:

بر زن لازم است از بهترین عطر استفاده کند، زیباترین لباسش را بپوشد، خود را به نیکوترین وجه آرایش دهد و صبح و شب خود را به شوهر عرضه نماید و حقوق شوهر بر زن بیش از اینهاست.⁸²

نیز فرمود:

زنی که شوهرش او را برای برقراری رابطه زناشویی

فرا می‌خواند، ولی این دست و آن دست می‌کند تا شوهرش به خواب رود، چنین زنی را فرشتگان دائماً نفرین و لعنت می‌کنند تا همسرش از خواب بیدار شود.⁸³

تعالیم و دستورات دین مبین اسلام مطابق با طبیعت و فطرت انسان است و به همه نیازهای جسمانی و روانی انسان‌ها توجه دارد، نیاز جنسی و علاقه به آن نیز مورد توجه آموزه‌های دینی قرار گرفته است.⁸⁴ از آنجا که ارضای نیاز جنسی در اسلام فقط از راه ازدواج صورت می‌پذیرد، دین اسلام این امر را رکن اساسی ازدواج می‌داند، به طوری که اگر وجود بیماری‌ها و یا عیوبی خاص در زن یا مرد، مانع ارضای نیاز جنسی آنها شود، هر یک از آنان حق فسخ عقد ازدواج را دارند.⁸⁵ از نظر فقها نیز تمکین خاص، از مهم‌ترین وظایف زن نسبت به شوهر است⁸⁶ و در صورت عدم تمکین، بدون هیچگونه عذر شرعی یا پزشکی، مصداق نشوز محسوب شده و علاوه بر این که گناهکار است، مستوجب قطع نفقه از سوی شوهر خواهد بود.⁸⁷

روابط جنسی زوجین علاوه بر اینکه باعث حفظ عفت و پاکدامنی فرد و در نتیجه سلامت خانواده و جامعه می‌شود، همچنین باعث ایجاد محبت و صمیمیت بیشتر بین زن و شوهر، بروز نشاط و شادمانی، رفع افسردگی و نیز تسکین برخی دردها و تنش‌های جسمی می‌گردد⁸⁸ که در کلمات اولیای دین به این امر تصریح شده است.⁸⁹

تأکید روایات⁹⁰ به زن درباره توجه به نیاز جنسی شوهر، شاید به دلیل وجود حیا بیشتر زنان نسبت به مردان باشد که ممکن است این حیا مانع تمکین خاص زن از شوهر و یا ابراز نیاز خود شود. علت دیگر را می‌توان به تحریک‌پذیری بیشتر مرد و فعالیت جنسی فزون‌تر او نسبت داد⁹¹ که ریشه در تفاوت‌های زیستی زن و

مرد دارد.⁹²

ب) تمکین عام

تمکین عام از دیگر وظایف زن در مقابل شوهرش است که مشتمل بر موارد زیر می‌باشد:

1. پرهیز از آزار شوهر، تندخویی و بدزبانی و قهر کردن

گاه به دلیل فشارهای روانی و کشمکش در روابط زن و شوهر، آنان متوسل به تندخویی، بدزبانی و قهر کردن می‌شوند و فضای خانواده و مناسبات حاکم بر آن را تحت تأثیر رفتار خود قرار می‌دهند. این امر علاوه بر ایجاد فشار روانی مضاعف بر آنها، به فرزندان نیز آسیب‌های روحی - روانی شدید وارد می‌کند و در صورتی که این نوع رفتار به رویه‌ای معمولی در زندگی آنان تبدیل شود، فرزندان را به سوی انحرافات اخلاقی و ناهنجاریهای اجتماعی سوق خواهند داد. بر این اساس، در روایات به طور مکرر بر پرهیز از تندخویی، بدزبانی و قهر کردن در خانواده تأکید شده است؛ چنانکه امام صادق⁷ می‌فرماید:

ملعون است ملعون، زنی که شوهرش را بیازارد و وی را غمگین و غصه‌دار کند و خوشبخت است و سعادت‌مند زنی که احترام شوهر را نگه دارد و وی را آزار نرساند و در هر حال از وی اطاعت کند.⁹³

گاه در زندگی، شرایط بسیار سخت و طاقت‌فرسایی پیش می‌آید که تعاملات نامناسبی میان زن و شوهر ایجاد می‌کند. امام صادق⁷ می‌فرماید: «...ایما امراه قالت لزوجها، ما رأیت قطُّ من وجهک خیراً فقد حبط عملها؛⁹⁴... زنی که به شوهرش بگوید من هرگز از تو خیری ندیدم، تمام عملش نابود می‌شود».

گاه مشاجرات بین زن و شوهر، ممکن است مرد را به سمت برخورد فیزیکی

با زن و کتک زدن او سوق دهد که در روایات با الفاظی تند، صریح و عتاب‌آلود از آن نهی شده است. چنانچه از امام باقر⁷ نقل شده که حضرت رسول اکرم⁹ فرمود: «أَيُّضْرِبُ أَحَدَكُمْ الْمَرْأَةَ ثُمَّ يَظَلُّ مُعَانِقَهَا»⁹⁵ آیا زن را کتک می‌زنید سپس او را در آغوش می‌گیرید» (کنایه از اینکه چگونه زن را کتک می‌زنید و حال آنکه برای رفع نیازهای خود به او نیازمندید و ناچارید به او پناه ببرید). همچنین در سخن دیگری از پیامبر اکرم⁹ نقل شده است:

«هر کس عیال خود را بدون هیچ حقی بزند، من در قیامت دشمن اویم، زنید زن‌های خود را؛ هر کس بی‌حق آنها را بزند از فرمان خدا و رسول سرپیچی کرده است»⁹⁶.

قهر کردن نیز اگرچه انعکاس ناراحتی زن یا مرد از بروز اختلاف ایجاد شده با همسر است، ولی به جای حل مشکل زمینه تیره‌تر شدن روابط زوجین را فراهم می‌آورد. به همین دلیل، پیامبر اکرم⁹ قهر را سبب لعنت ملائکه بر فرد دانسته و می‌فرماید: «هنگامی که زنی دور از بستر شوهر شب را به روز آورد، فرشتگان تا صبح او را لعنت می‌کنند»⁹⁷.

از آنجایی که ممکن است در هنگام مشاجره و اختلاف در خانواده، زنان به دلیل احساسی و نیز ارتباط محوربودنشان، در مقایسه با مردان صفات ناشایستی همچون بدزبانی و قهر کردن را داشته باشند، در این موارد در احادیث، زن‌ها بیشتر مخاطبند. در مقابل، مردها هنگام اختلاف و مشاجره با همسر، به دلیل قدرت بدنی بیشتر و بروز خشم زیادتر، ممکن است به برخورد فیزیکی و کتک زدن متوسل شوند، از این رو در احادیث⁹⁸ در این مورد به آنها هشدارهای جدی داده شده است.

علاوه بر بعد اخلاقی، از نگاه فقهی و حقوقی نیز، این وظیفه اهمیت زیادی



دارد و بنا بر نظر فقها، یکی از علایم نشوز زن، تغییر عادت او در روابط کلامی یا غیر کلامی با همسر، بدون هیچ دلیل موجهی است؛ بدین معنا که قبلاً با همسر با نرمی و مهربانی سخن می گفته است، اکنون با ترش رویی، بد رفتاری و تندخویی؛ که این تغییر عادت، نشانه نشوز زن است؛ زیرا از مصادیق سوء معاشرت می باشد.⁹⁹

در حالی که تعالیم اسلامی به روابط کلامی و غیر کلامی اعضای خانواده توجه ویژه ای دارد، همواره توصیه کرده است که گفت و گوی اعضای خانواده با هم باید محترمانه و با آهنگی ملایم باشد. از نشانه های احترام در گفتگو این است که زن و شوهر یکدیگر را به بهترین نامی که هر یک دوست دارند، خطاب کنند.¹⁰⁰ ابراز محبت و دوستی با گفتار، نسبت به یکدیگر به عمیق تر شدن روابط عاطفی کمک می کند. بنابراین، لازم است به جای برخی رفتارها که مانع برقراری روابط عاطفی محکم و قوی میان زن و شوهر و فرزندان می شود مانند قطع حرف یکدیگر، جدال، توهین، تحقیر و انتقاد تند، با به کارگیری رفتارهایی مانند سپاسگذاری و تشکر از یکدیگر، قدردان عملکرد همسر بودن و... به استحکام روابط خانواده کمک کرد.

2. عدم تصرف در اموال شوهر بدون اذن او

چنانچه در فقه وارد شده است، زن بدون اجازه شوهر نمی تواند در مال او تصرف نماید و از مال، او صدقه یا هدیه دهد و یا بدون اجازه او نذر کند.¹⁰¹ بنابراین، تمام تصرفات زن در مال شوهر باید با اذن و اجازه شوهر صورت گیرد. البته چنانچه در سایر کتب فقهی از جمله تحریر الوسیله آمده است، موارد استثنائی نیز وجود دارد، مانند زکات یا نیکی به والدین و صلّه رحم.¹⁰²

3. عدم خروج از منزل بدون اجازه شوهر

یکی از وظایف زن در برابر شوهر این است که بدون اجازه او از منزل خارج نشود

و در غیاب او حافظ مال و اسرار شوهر باشد.

پیامبر اکرم⁹ نهی فرمود از این که زن بدون اجازه شوهرش از منزل خارج شود. هر زنی که بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود، همه فرشتگان آسمان و همه چیزهایی که بر او عبور می کند او را لعنت می کنند تا وقتی که به منزلش باز گردد.¹⁰³

خروج زن از منزل با اذن و توافق شوهر، یکی از وظایف واجب و مهم زن است که در متون دینی و فقه اسلامی، بدان اشاره شده است. از جمله حضرت امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می فرماید:

و از جمله حقوق مرد بر زن این است که زن اطاعت شوهر را بنماید و معصیت و سرپیچی از او ننماید و از منزلش بدون اجازه شوهر خارج نشود و او برای رفتن نزد خانواده اش حتی برای عیادت پدرش یا شرکت در عزای او [از همسر اجازه بگیرد].¹⁰⁴

در توضیح المسائل مراجع آمده است: «زنی که عقد دائمی شده است، نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود».¹⁰⁵

در واقع تشریح این حکم از دو بعد قابل تحلیل و بررسی است: نخست از بعد ریاست و قوامیت شوهر بر زن. طبق این بعد، شوهر بر اساس تکلیفی که در ریاست و قوامیتش بر زن و خانواده و حفظ و رعایت مصالح خانواده و اعضای آن و حفاظت از حرمت و حیثیت ناموس و عفت آن دارد، این اختیار برای او وجود دارد که به دور از هر گونه اعمال ظلم و بدبینی رفت و آمد و معاشرت های زن را تحت نظارت و کنترل خود در آورد و حتی محدودیت هایی برای او منظور نماید. دوم، از آنجا که زن کانون مهرورزی، عاطفه گستری و آرامش بخشی در

خانواده و مربی فرزندان است بدون تردید برای ایفای این رسالت عظیم این سنگر (خانواده) بسیار ضروری است. چه کسی باید این سنگر را حفظ و مراقبت نماید؟ آیا می‌توان گفت این دانشگاه عظیم انسان‌سازی را از مربی خالی نمود و بگوییم حضور مادر در خانواده نیاز نیست؟

وقتی حفظ و حراست خانه و خانواده از تعرضات روانی و اخلاقی به دست زن است و تأثیر روانی فقدان مادر در اضطراب، تشویش و نابسامانی افراد خانواده به اثبات رسیده است، چگونه می‌توان القا کرد که زن برای رفت و آمدش نیازی به تبادل نظر با شوهر و اذن در خروج ندارد؟¹⁰⁶ بنابراین، لزوم اذن شوهر برای خروج زن از منزل، به این دلیل است که مرد بتواند به وظیفه سنگین سرپرستی خانواده و مراقبت و صیانت از زن و فرزندان عمل کند.

اجازه زن از شوهر برای خروج از منزل، او را در قبال شوهر و خانواده متعهدتر می‌کند و مرد را نیز در احساس مسئولیتش نسبت به همسر و فرزندان قوی‌تر و بانگیزه می‌نماید. در حقیقت، می‌توان ادعا نمود که تشریح چنین حکمی از سوی شارع مقدس، در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای روانی زن و مرد است.

مردان نیازمند اعتماد همسرشانند. در مقابل، زنان نیاز بیشتری به مراقبت (و حمایت) از سوی همسر خویش دارند. اجازه زن از شوهر برای خروج از منزل، نوعی ارضای نیازهای روانی زن و شوهر است که تأثیر مثبتی بر آنها دارد و غیرمستقیم به فرزندان نیز می‌آموزد که به والدین احترام بگذارند و بدون اطلاع آنها از منزل خارج نشوند.¹⁰⁷

نکته مهم این است که اگرچه زن موظف به اجازه گرفتن از همسر، برای خروج از منزل و اطاعت از شوهر و عدم عصیان در مقابل اوست، مرد نیز اگر نسبت به همسر خود اعتماد دارد، نباید آزادی او را سلب نماید و بدون عذر شرعی و عرفی، همسرش را از دیدن والدین، فامیل، خروج از منزل و... نهی و یا برای

رفتن به جایی مجبور نماید،¹⁰⁸ که در این صورت، مصداق ظلم به زن است.

استثنائات خروج زن از منزل بدون اذن شوهر

برای خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر موارد استثنایی وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: انجام واجبات عینی که موقوف بر خروج از منزل است، مانند سفر حج واجب¹⁰⁹ و خروج برای تأمین معاش، چنانچه شوهر قادر به تأمین معاش نباشد یا از انفاق سرپیچی کند¹¹⁰. موارد دیگری نیز وجود دارد که لازم است هر مکلفی در این مسئله به نظر مرجع خود رجوع نماید.

حتی در موارد استثنایی، در صورتی که خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر منجر به زیاد شدن اختلاف‌های خانوادگی می‌شود، زن باید سعی کند رضایت شوهر را جلب نماید.

تفاوت حقوق و تکالیف زن و مرد، به تفاوت‌های فطری و تکوینی آنها بستگی دارد و همین تفاوت‌هاست که عامل جذب و انجذاب آنان به یکدیگر و تلاش آنها در جهت حفظ و استحکام پایه‌های زندگی مشترک است. بنابراین، هیچ یک از حقوق و تکالیف زن و شوهر نمی‌تواند و نباید، زمینه‌ساز تفاخر، تحکم و ابزاری برای ظلم به همسر قرار گیرد.

سخن پایانی

رابطه میان حق و تکلیف رابطه دو سویه و غیرقابل تفکیک است که در روابط همه انسان‌ها با یکدیگر حاکم است و توجه به این رابطه دوسویه، زن و شوهر را به سمت تکالیفی که خداوند برایشان در قبال یکدیگر وضع نموده، سوق می‌دهد. این مسئولیت‌ها که در دو بعد وظایف مشترک و اختصاصی، از رهگذر وحی و تعالیم انبیا و معصومین³ به دست ما رسیده است، شامل حسن معاشرت، تلاش در جهت تحکیم مبانی خانواده، تربیت فرزند و وظایف اختصاصی اموری مانند و جوب

مدیریت خانواده بر مرد و تمکین از ناحیه زن می‌شود. اگر اساس رابطه زن و شوهر بر پایه روابط معروف و شایسته، پایه‌گذاری شود، این مهم، خود زمینه‌ساز توجه به سایر حقوق یکدیگر خواهد بود؛ به شرط آنکه زن و شوهر هر دو از وظایف و حقوق خود نسبت به همسر آگاهی لازم داشته باشند و فارغ از دستاویز قرار دادن برخی از تفاوت‌های حقوقی خود با یکدیگر و پذیرش این تفاوت‌ها که مایه جذب و انجذاب آنان می‌باشد، تعهد برای رعایت آن حقوق را نیز در خود احساس کنند. در چنین شرایطی است که بر اساس سخن الهام بخش قرآن کریم: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»¹¹¹، آنان لباس یکدیگر خواهند بود که علاوه بر پوشاندن عیوب، زینت بخش یکدیگرند و اساس رابطه‌شان مودت و رحمتی است که زمینه‌ساز رسیدن به کمال و رستگاری، سلامت روح و روان فرزندان و تحکیم بخش خانواده و رشد و تعالی جامعه خواهد بود.

پی‌نوشت

1. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات راغب، تهران، مرتضویه، بی‌تا، ص 246.
2. مرتضی انصاری، مکاسب، قم، دارالذخائر، 1411 هـ.ق، اوایل کتاب بیع.
3. محمدبن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج 5، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1408 هـ.ق، ص 115.
4. عبدالله جوادی آملی، حق و تکلیف در اسلام، قم، اسراء، 1384، ص 238.
5. سیف‌الله صرامی، حق، حکم و تکلیف (گفت‌وگو با جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ، 1385، ص 32.
6. اسدالله جمشیدی و دیگران، جستاری در هستی‌شناسی زن، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رض)، 1385، صص 241 - 245.
7. زخرف: 32
8. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 21، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1374، ص 52.
9. ر.ک: بقره: 228 - 241؛ نساء: 19 و 25.
10. بقره: 228، 229، 231؛ نساء: 4، 19، 20؛ طلاق: 6 و ...
11. ناصرکاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، تهران، میزان، 1382، ص 160.
12. عزت‌السادات میرخانی، رویکردی نوین در روابط خانواده، تهران، سفیر صبح، 1380، صص 251 و 214.
13. آل عمران: 159
14. ر.ک: محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج 2، تهران، الاسلامیه، 1365، ص 107؛ عبدالواحدبن محمدتمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، 1366، صص 91 - 92.
15. محمدبن الحسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج 14، قم، آل‌البیت الاحیاء التراث، 1347، ص 169.
16. کافی، ج 5، ص 325.
17. نساء: 19
18. مهدی مهریزی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1382، ص 259.
19. محمدبن علی بن الحسین بابویه قمی صدوق، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1404 هـ.ق، ج 3، ص 443؛ ر.ک: کافی، ج 5، ص 512.

20. وسائل الشیعه، ج 16، ص 280.
21. رک: نهج الفصاحه، تحقیق، ترجمه و تدوین علی سلیمی، تهران، جمهوری، 1386، ح 156.
22. جانگری، مردان مریخی، زنان ونوسی، ترجمه سیدرضا نیازی، قم، نجبا، 1381، صص 187-188.
23. کافی، ج 5، ص 511.
24. رضی‌الدین حسین‌بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی، 1412 هـ.ق، ص 80.
25. کافی، ج 6، ص 512.
26. کافی، ج 5، ص 567؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 508.
27. کافی، ج 5، ص 507.
28. رک: روح‌الله خمینی، تحریرالوسیله، تهران، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، بی‌تا، کتاب النکاح، القول فی النشوز، ابتدای فصل.
29. زخرف: 18
30. نهج الفصاحه، ح 986.
31. همان، مسئله 2414.
32. وسائل الشیعه، ج 21، ص 451.
33. همان، ج 20، ص 172.
34. مستدرک الوسائل، ج 13، ص 48.
35. روم: 21
36. رک: احزاب: 21
37. مستدرک الوسائل، ج 14، صص 250-251.
38. ورام ابن ابی‌الفراس، مجموعه ورام، قم، مکتبه الفقیه، بی‌تا، ج 2، ص 122.
39. کافی، ج 6، ص 296.
40. رویکردی نوین در روابط خانواده، ص 255.
41. دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص 161.
42. همان، ص 162.
43. کافی، ج 5، ص 569.
44. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، 1376، ص 256.
45. مردان مریخی، زنان ونوسی، ص 188.

46. ر.ک: مهدی نیلی پور، فرهنگ فاطمیه، اصفهان، نشر مرکز فرهنگی شهید مدرس، 1380، صص 186-189.
47. ر.ک: مصطفی محقق داماد، حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، 1365، ص 120 (ماده 1054 قانون مدنی).
48. دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص 162.
49. نور: 30، 31، 58 و 59.
50. ر.ک: تحریر الوسیله، کتاب الحدود، حدالزنا.
51. دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص 162.
52. ر.ک: تحریر الوسیله، کتاب النکاح، فصل فی النفقات، مسئله 1.
53. ر.ک: ماده 1106 قانون مدنی.
54. بقره: 233؛ طلاق: 6.
55. دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص 142؛ تحریر الوسیله، کتاب النکاح، فصل فی النفقات، مسئله 8.
56. تحریر الوسیله، همان مسئله.
57. دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص 143.
58. تحریر الوسیله، کتاب النکاح، فصل فی النفقات، مسئله 1.
59. سید محمدحسن بنی هاشم خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1383، احکام نکاح، احکام عقد دائم، مسئله 2412.
60. همان
61. دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص 145.
62. همان
63. من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 408.
64. همان، ص 15.
65. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 4، جماعة المدرسین فی الحوزة العلیمة، بی تا، ص 343.
66. محمدتقی جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج 11، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1379، ص 268.



67. نساء: 34
68. دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص 164.
69. محمدمهدی مقدادی، ریاست خانواده، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، 1385، صص 47 و 58.
70. ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، 1377، ج 1، ص 227.
71. ریاست خانواده، صص 115 - 116.
72. المیزان، ج 4، ص 344.
73. توضیح المسائل مراجع، ج 2، احکام نکاح، مسئله 2417.
74. علی مشکینی، ازدواج در اسلام، قم، الهادی، 1366، ص 181.
75. تحریر الوسیله، کتاب النکاح، فصل فی القسم و النشوز و الشقاق، مسئله 1.
76. همان
77. کافی، ج 5، ص 506؛ من لایحضر الفقیه، ج 3، ص 438.
78. دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص 167.
79. بقره: 223
80. نساء: 34
81. المیزان، ج 4، ص 344.
82. کافی، ج 5، ص 508.
83. وسائل الشیعه، ج 20، ص 165.
84. رک: آل عمران: 14؛ وسائل الشیعه، ج 20، ص 143، ابواب مقدمات نکاح.
85. رک: تحریر الوسیله، کتاب النکاح، القول فی العیوب الموجه لخیار الفسخ و التذلیس؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، صص 203 - 204، ماده 1122 و 1123 قانون مدنی.
86. توضیح المسائل مراجع، ج 2، احکام عقد دائم، مسئله 2412.
87. همان، مسئله 2413.
88. آلن و باربارا پیتر، آنچه زنان و مردان نمی دانند، ترجمه زهرا افتخاری، تهران، نسل نو اندیش، 1383، صص 265 - 268.
89. رک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 100، بیروت، الوفاء، 1403، ص 291.
90. من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 468؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 117. کافی، ج 5، ص 508.
91. رک: کافی، ج 5، ص 388.

92. رک: آنچه زنان و مردان نمی‌دانند، صص 265-268.
93. وسائل الشیعه، ج 16، ص 280.
94. من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 440.
95. کافی، ج 5، ص 509.
96. حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشاد القلوب، بی‌جا، شریف رضی، 1412، ج 1، ص 175.
97. نهج الفصاحه، ج 184.
98. رک: ارشاد القلوب، ج 1، ص 175. مستدرک الوسائل، ج 14، ص 250.
99. رک: تحریر الوسیله، کتاب النکاح، القول فی الشوز، مسئله 1.
100. سید جواد مصطفوی، بهشت خانواده، ج 1، قم، دارالفکر، بی‌تا، ص 17.
101. تحریر الوسیله، کتاب النکاح، فصل فی القسم و الشوز و الشقاق، ابتدای فصل.
102. رک: همان
103. وسائل الشیعه، ج 20، ص 158.
104. تحریر الوسیله، کتاب النکاح، فصل فی القسم و الشوز و الشقاق، ابتدای فصل.
105. توضیح المسائل مراجع، ج 2، احکام عقد دائم، مسئله 2412.
106. رویکردی نوین در روابط خانواده، صص 239-240.
107. مریم معین الاسلام و ناهید طیبی، روانشناسی زن در نهج البلاغه، قم، عطر سعادت، 1380، ص 88.
108. آیا شوهر حق دارد زن را مجبور کند که به منزل فلان فامیل برود، در حالی که زن به هیچ وجه راضی نیست به منزل آنها برود، آیا اطاعت از او در این امر واجب است؟ جواب: شوهر حق دارد از خارج شدن زن از خانه ممانعت نماید ولی اینگونه موارد بهتر است زن رضایت شوهر را به دست آورد. (حضرات آیات امام خمینی (ره)، بهجت، تبریزی، فاضل، مکارم، به نقل از سید مسعود معصومی، احکام روابط زن و شوهر، قم، مؤلف، 1378، ص 76)
109. استفتائات امام خمینی (ره)، ج 3، ص 148؛ توضیح المسائل آیت الله خوئی، مسئله 2425 و ...
110. رک: توضیح المسائل مراجع، ج 2، احکام نکاح، مسئله 2416.
111. بقره: 187